

نقش‌های گوناگون صنعت بیمه در اقتصاد

فرهاد جوان
(کارشناس اقتصاد، مدیر بیمه بخش خصوصی)

و هدایت منابع پس اندازی و تحرک بازار سرمایه و همچنین کاهش ریسک به واسطه سرمایه‌گذاری‌های کلان (چه داخلی و چه خارجی) در اقتصاد مطرح گشته و افزایش رشد اقتصادی را موجب گردد که البته با توجه به روند جهانی شدن اقتصاد و افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی و نیاز به افزایش توان رقابتی در بازارهای بین‌المللی توجه روزافزون به نقش و اهمیت این صنعت در اقتصاد لازم و ضروریست.

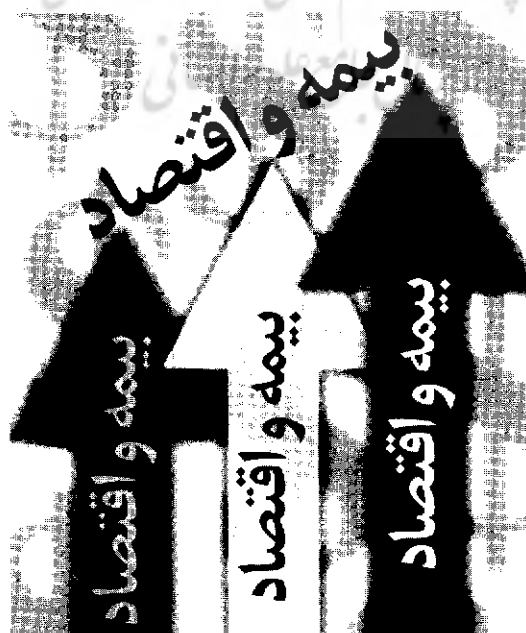
مقدمه

پیشرفت فعالیت‌های اقتصادی در یک جامعه و توسعه امور بیمه در آن جامعه لازم و ملزوم یکدیگرند. در واقع بهبود وضع اقتصادی یک کشور افزایش مبادلات بین مردم، ارتقاء سطح زندگی افراد و توسعه‌ی سرمایه‌گذاری موجب پیشرفت امور بیمه می‌شود و متقابلاً توسعه و اشاعه امور بیمه، تأمین وضع

نقش و اهمیت صنعت بیمه در اقتصاد جهانی و چگونگی تأثیرات آن در بخش خدمات و همچنین بررسی سهم نسبت حق بیمه به GDP در کشورهای مختلف دنیا که به عنوان یک شاخص اصلی برای ارزیابی میزان اهمیت بیمه در اقتصاد کشورها به شمار می‌آید از مواردی است که در این مقاله مورد تحلیل قرار گرفته است.

در نهایت با نگاهی به صنعت بیمه در اقتصاد ایران و مقایسه شاخص‌های بیمه‌ای برای کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و ایران به نقش و وزن این صنعت و ضعف‌های آن در اقتصاد ایران اشاره گشته است.

در پایان نتایج نشان می‌دهد که صنعت بیمه به دلیل فعالیت گسترده‌ای که می‌تواند داشته باشد در اقتصاد هر کشوری دارای نقش اساسی بوده و می‌تواند به عنوان ابزاری مطمئن جهت تجهیز



زندگی افراد، حفظ ثروت ملی و تشکیل پس اندازهای بزرگ را به دنبال می آورد.

با توجه به پیشرفت و گسترده شدن هر چه بیشتر صنعت بیمه در جهان و افزایش روز افزون نقش آن در اقتصاد بین الملل و همچنین اقتصادهای ملی از یکطرف و همینطور نقش انکار ناپذیر آن در مدیریت ریسک در بخش های مختلف زندگی روزمره افراد جامعه که باعث پدید آمدن بنگاه های بزرگ خدماتی در این رشته و اساساً ایجاد صنعت بیمه گردیده است لازم است تا به دلیل آنکه حجم وسیعی از نقدینگی و سرمایه جامعه در این صنعت مورد جذب قرار می گیرد- که با توجه به شواهد و قرائن و افزایش فرهنگ بیمه در میان آحاد جامعه روز به روز نیز بر این حجم افزوده می گردد- به نقش و اهمیت این صنعت در اقتصاد پرداخته گردد.

چرا که با توجه به حضور این صنعت در میان رفتار و فعالیت اقتصادی افراد و بنگاه های اقتصادی (حوزه ی اقتصاد خرد) و همچنین سهمی که این صنعت در GNP یا تولید ناخالص ملی هر کشور دارد که یکی از شاخص های مهم کلان اقتصادی در هر کشور بوده (حوزه اقتصاد کلان) و همینطور حجم گردش نقدینگی و سرمایه عظیمی که در میان کشورهای مختلف بواسطه بیمه های اتکایی و دیگر اثرات این صنعت در اقتصاد جهان (حوزه اقتصاد بین الملل) وجود دارد، ناگزیر و همواره بخشی از درآمد افراد، بنگاه ها و کشورهای مختلف را به خود اختصاص داده و به صورت خودکار به عنوان یکی از مهم ترین اجزاء بخش خدمات در اقتصاد مطرح می باشد.

در این تحقیق به نقش های مختلف صنعت بیمه از زوایای گوناگون اقتصادی اشاره می گردد و سعی بر این است که اهمیت این صنعت در حوزه های مختلف اقتصادی تبیین گشته تا با روشن شدن ابعاد این موضوع بتوان با برنامه ریزی مناسب و افزایش نقش و کارکرد این صنعت در اقتصاد از پتانسیلهای موجود در آن، در راه سیاست های مختلف اقتصادی و پیرو آن افزایش کارایی اقتصادی استفاده نمود.

خاستگاه تاریخی بیمه

قرن ها پیش از مسیحیت بازرگانان فنیقی که در اطراف دریای مدیترانه به تجارت گندم و سایر کالاها مشغول بودند بدون تردید به همان شیوه های ابتدایی به محافظت و پوشش ریسک و خطر ناشی از حوادث برای کالاها و اجناس خود مبادرت می ورزیدند. ایشان نیز کالاها را در چند کشتی قرار می دادند اما از آن جا که کشتی های حامل گندم ممکن بود در دریا دچار حادثه و بازرگانان متحمل خسارتهای زیادی شوند تدبیری دیگر اندیشیدند. آنها به این نتیجه رسیدند که اگر هر بازرگان سهم اندکی از محموله ی گندم خود را در اسکله باقی بگذارد، آنگاه از هر کشتی مقداری گندم باقی می ماند که در مجموع حجم زیادی از گندم را تشکیل می دهد و به این ترتیب می توانند خسارت بازرگانانی را که کل محموله ی خود را از دست داده اند جبران کنند.

زدان دریایی، شرایط جوی، آتش سوزی، بیماری و مرگ عوامل ریسکی بودند که بازرگانان در طول مسیرهای متعدد خود با آنها درگیری داشتند. احتمال خسارت زیاد بود، لذا بازرگانان بابل که اعتبار اعطایی را بر مبنای باربرهای حمل کالا به عنوان یک وثیقه آسیب پذیر تمدید می کردند برای پوشش ریسک، حق بیمه ای بالاتر از نرخ بهره ی سرمایه پیشنهاد می کردند. تاریخچه ی بیمه از آغاز تا پیدایش تاکنون با مفهوم تجارت بین الملل گره خورده است. تا سال ۱۴۰۰ میلادی الگوی تجارت اروپا به خوبی توسعه یافته بود. احتمال می رود که فعالیت بیمه ای در همان زمان و به همان دلیلی

که تجارت در شمال اروپا و ایتالیا توسعه یافت، گسترش یافته باشد. سندی در دست است که دوک فلاندرز در سال ۱۳۱۰ میلادی با تأسیس اتاق بیمه برای بیمه کردن ریسکهای دریایی موافقت کرده است. در سده ی پانزدهم میلادی الگوهای تجارت شکل بین المللی به خود گرفتند و در سال ۱۷۲۰ نخستین بار در انگلستان دو شرکت London و Royal Exchange Assurance مجوز فعالیت گرفتند.

صنعتی شدن، توسعه مراکز شهری را سرعت بخشید، اما به علت اینکه ساختمان های از چوب ساخته شده فراوان بود هنگامی که آتش سوزی رخ می داد خسارتهای زیادی به بار می آمد. آتش سوزی بزرگ لندن در سال ۱۶۶۶ همواره عامل شتاب دهنده توسعه بیمه ی آتش سوزی تلقی شده است. به کار گرفتن نظریه های مکتب سوداگری در روابط بین انگلستان و مستمراتش نقطه ی عطفی در تاریخ بوده است. خدمات بیمه ای تقریباً در انحصار بازار لندن در انگلستان قرار داشت.

بیمه دریایی نخستین رشته ی صنعت بیمه بود که زمینه ی ورود به مستمرات را فراهم کرد و جالب است که بدانیم تاریخچه ی اولیه ی بیمه در آمریکای شمالی (که البته مشابه توسعه فعالیت های بیمه ای در دیگر نقاط جهان است) دقیقاً با همان الگو ورق خورده است. تا قبل از پایان سده ی نوزدهم فعالیت بیمه ای در خارج از اروپا را عمدتاً نمایندگیهای شرکت های بیمه توسعه دادند. شرکت های بزرگ بیمه ی انگلیسی در هند غربی، آمریکای جنوبی، آفریقای جنوبی و خاور دور اداری تأسیس کردند. نکته ی اصلی در اینجاست که این فعالیت ها موجب توسعه ی تجارت خارجی در اقتصاد بین المللی شده است. به طوری که تا قبل از جنگ جهانی اول تقریباً همه ی نمایندگیها در بندرگاههای تجاری مستقر بودند.

به طور کلی صنعت بیمه کوچک بود و ناتوانی در بیمه کردن ریسکهای بزرگ مانع اصلی توسعه ی آن در بازار داخلی به شمار می رفت. محاصره ی اقتصادی در جریان جنگهای استقلال آمریکا، ضرورت رشد همه ی جنبه ی صنعت بیمه را به عنوان هدف مهم اقتصادی در آن دوره نمایان کرد.

عمدتاً در نیمه ی نخست قرن بیستم بود که بیمه به صورت یک فعالیت نهادینه شده درآمد. تکامل فعالیت های بیمه ای، این صنعت را از قالب صرفاً یک رشته قرار داد بین افراد بیرون آورد و مسئله ی مورد توجه همه ی کشورها شد. یکی از جنبه های مهم نیمه اول قرن ۲۰ در همه ی کشورها افزایش درگیر شدن دولت در امور بیمه ای بود. دولت ها نه فقط مقررات شدیدی وضع کردند بلکه وقتی بحث دفاع از منافع عمومی به عنوان یک مسئله مهم اجتماعی مطرح شد به کسوت بیمه گران هم درآمدند.

در اروپا نیز سیاستمداران در جهت وضع مقررات بیشتر برای فعالیت شرکت های بیمه گام هایی برداشتند. در همه ی کشورها همیشه اولین نکته مورد توجه در تنظیم مقررات، توانایی دادن مجوز فعالیت به شرکت های بیمه بوده است. درگیر شدن دولت در فعالیت های بیمه ی اجتماعی احتمالاً از این لحاظ اهمیت بیشتری دارد که اثر دخالت دولت بر فعالیت بیمه ای از اثر آن در سایر حوادث نیمه ی نخست قرن ۲۰ چشمگیری تر بوده است.

اگرچه در ابتدا حضور دولت صرفاً برای تأمین حداقل امنیت اقتصادی در موارد اساسی برنامه ریزی شده بود، اما مفهوم تأمین اجتماعی به سرعت بسط یافت و به سیستم تقریباً جامعی منتهی شد. با وجود تصویب قوانین بیمه ی اجتماعی در تمامی کشورهای اروپایی در اواخر سده ی نوزدهم و نیمه ی نخست قرن ۲۰، ایالات متحده آمریکا تا رکود بزرگ دهه ی ۱۹۳۰ در این زمینه درنگ کرد. قانون سال ۱۹۳۵ تأمین اجتماعی کمکهای عمومی بیمه ی بیکاری و بیمه ی پیری را تصریح کرد.^(۱)

جایگاه بیمه در اقتصاد

در جهان امروز بیمه در زندگی اقتصادی جوامع نقش مهمی بر عهده دارد. صنعت بیمه منابع اقتصادی محدود کشور را مورد استفاده قرار می دهد. این منابع در صورت عدم استفاده از آن ها در صنعت بیمه می توانست در تولید سایر کالاها و خدمات به کار رود. این صنعت مانند بسیاری از حرفه های خدماتی تا حدودی کاربر است، یعنی در مقایسه با دارایی های سرمایه ای نیروی کار بیشتری را مورد استفاده قرار می دهد. البته با استفاده فزاینده از رایانه برای انجام کارهایی که قبلاً به صورت دستی صورت می گرفت این وزنه به نفع سرمایه در حال تغییر است. صنعت بیمه در قبال استفاده از منابع اقتصادی خدمات متنوعی مطابق با خواست مردم ارائه می دهد که بخش عمده زندگی و سیر توسعه کشورها را تشکیل می دهد.^(۲)

بر اساس مبانی علم اقتصاد، دیدگاههای اقتصادی و شواهد و تجربیات سایر کشورهای جهان که فرآیند رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی را کم و شری طی نموده و یاد در حال طی می باشند، یکی از عوامل اصلی و محوری در رشد و توسعه اقتصادی تشکیل سرمایه و سرمایه گذاری های مولد می باشد زیرا این متغیر اقتصادی مستقیماً رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی را متاثر می سازد. در این راستا علاوه بر نظام بانکی که به اصطلاح تأمین کننده اعتبارات کوتاه مدت و میان مدت واحدهای اقتصادی می باشد صنعت بیمه نیز به سبب توان بالفعل و بالقوه ای که در فراهم ساختن منابع قابل سرمایه گذاری دارد می تواند علاوه بر مسئله تأمین و جبران خسارت به عنوان یک منبع تأمین مالی و سرمایه گذاری نیز نقش مهم و قابل ملاحظه ای در اقتصاد ایفا نماید.^(۳) در کل و با توجه به نقش های متفاوتی که صنعت بیمه در یک اقتصاد می تواند داشته باشد می توان تأثیرات آن را به صورت زیر تقسیم بندی نمود:

۱- نقش بیمه در انتقال و کاهش ریسک تولید کالا و خدمات در اقتصاد (کمک به ایجاد امنیت اقتصادی)

نقش اولیه شرکت های بیمه اینست که از طریق ایجاد صندوقی از ریسک های مجزا باعث کاهش ریسک در جامعه شوند. البته، صرف بیمه کردن ریسک باعث کاهش حوادث ناخوشایند نمی شود، با این حال بیمه به عنوان روشی برای برخورد با ریسک مزایای متعددی دارد. از جمله آنکه بیمه گذاران از طریق بیمه، عدم اطمینان رادر فعالیت خود کاهش می دهند. این موضوع به آن ها کمک می کند تا اقدامات خود را بهتر طرح ریزی نمایند زیرا از طریق بیمه احتمال کاهش نقدینگی و قطع شدن سود به علت وقوع خطر بیمه شده از بین می رود. از طرف دیگر نیز بیمه به توسعه فعالیت بنگاه های تولیدی در اقتصاد کمک می کند زیرا اگر بانک ها یا سایر مؤسسات مالی بدانند دارایی معرفی شده جهت تضمین وام دارای بیمه کامل است با آسایش خاطر بیشتری به پرداخت وام اقدام می کنند. با این تفاسیر توان رقابتی شرکت های کوچک از طریق بیمه افزایش می یابد زیرا برخلاف شرکت های بزرگ که قادرند خسارت ها را از منابع داخلی تأمین نمایند شرکت های کوچک از چنین امکاناتی برخوردار نیستند. همینطور از طریق بیمه ها تمایل بنگاه ها به نوآوری و تولید اشکال پرخطر محصول افزایش می یابد، لذا دامنه کالاها و خدمات عرضه شده به جامعه گسترش می یابد که در این زمینه به تلاش های انجام شده در بیمه نمودن محصولات کشاورزی می توان اشاره نمود.

۲- نقش شرکت های بیمه در سرمایه گذاری اقتصادی یک کشور

شرکت های بیمه از عمده ترین مؤسسات سرمایه گذاری محسوب

می شوند که با جمع آوری وجوه از سهامداران و بیمه گذاران، سرمایه بلند مدت برای دولت و صنعت فراهم می کنند. بخش عمده این دارایی ها توسط شرکت های بیمه عمر جمع آوری می شود زیرا بیمه های عمر به طور طبیعی بلند مدت هستند. مثلاً در ابتدای دهه ۲۰۰۰ میلادی دارایی های سرمایه گذاری شده دفاتر بیمه عمر بریتانیا بیش از ۶ برابر کل درآمد حق بیمه آن سال بود در حالی که دارایی های بیمه های عمومی (غیر زندگی) کمتر از ۲ برابر کل حق بیمه خالص را تشکیل می داد.

به هر حال مدیریت صحیح منابع مالی و ذخایر صنعت بیمه می تواند ضمن ارایه و تأمین مالی لازم و کافی جهت فعالیت های تولیدی و همچنین بسط و گسترش خدمات بیمه ای و ارتقاء سطح کمی و کیفی خدمات صنعت بیمه با تشکیل سرمایه و سرمایه گذاری و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی، افزایش رفاه عمومی را نیز در پی داشته باشد. نکته قابل توجه اینکه مدیریت وجوه قابل سرمایه گذاری در صنعت بیمه در فرآیند سرمایه گذاری لازم است به مسائلی چون اهداف حاکم بر سرمایه گذاری مؤسسات بیمه، فشارها و محدودیت های حاکم بر سرمایه گذاری های صنعت بیمه و ... توجه خاص داشته باشد. ثبات درآمدهای حاصل از سرمایه گذاری ها، امنیت و حفظ اصل و فرع سرمایه ها، میزان سودآوری، قدرت نقدینگی سرمایه گذاری ها و ... از جمله برخی از عواملی هستند که چارچوب کلی هدف های سرمایه گذاری در صنعت بیمه را شکل می دهند.

سرمایه گذاری کوتاه مدت یا بلند مدت، سرمایه گذاری در اوراق بهادار یا سرمایه گذاری در زمینه هایی که قدرت نقدینگی آن ها پایین است، سرمایه گذاری با بازده بالا و ریسک بالا و یا سرمایه گذاری با ریسک کم و بازده کم و ... برخی از فاکتورهای مهمی هستند که در تدوین دستورالعمل ها و خط مشی های سرمایه گذاری در صنعت بیمه می بایست مورد توجه قرار گیرد. بعد از بحث اهمیت سرمایه گذاری در صنعت بیمه، موضوع مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد وجوه قابل سرمایه گذاری در صنعت بیمه می باشد که در ادامه به بحث مختصری راجع به آن پرداخته می شود. ماهیت فعالیت های بیمه ای منجر به تجمع وجوهی خواهد شد که امکان سرمایه گذاری را برای شرکت های بیمه فراهم می نماید. از آنجایی که تنوع و گستردگی فعالیت های بیمه ای می تواند تمامی بخش های اقتصادی یک کشور را دربر گیرد و همچنین این فعالیت اقتصادی استعداد بالایی در جمع آوری وجوه به عنوان حق بیمه را داراست لیکن صنعت بیمه همچون نظام بانکی و بازار بورس می تواند یکی از کانال های مهم در پس انداز و جمع آوری وجوه قابل سرمایه گذاری و هدایت آن به سوی بخش های تولیدی همچون بخش صنعت و کشاورزی باشد. نکته ای که در زمینه نقش صنعت بیمه در گردآوری وجوه پس اندازی مردم باید مورد توجه خاص قرار گیرد این است که در کشورهای در حال توسعه و کم درآمد و به ویژه در دوره های سخت اقتصادی و تورم شدید، قدرت پس اندازی سایر ابزارها به شدت کاهش می یابد و پس انداز حاصل از فعالیت های بیمه ای تنها کانال پس اندازی است که صورت می گیرد، لیکن نقش این صنعت در تأمین وجوه قابل سرمایه گذاری در کشورهایی که با کمبود منابع سرمایه ای مواجه هستند به مراتب مهمتر از کشورهای توسعه یافته و صنعتی است. باید توجه داشت که وجوه قابل سرمایه گذاری چگونه در شرکت های بیمه انباشته می شود. شرکت های بیمه با دریافت مبالغی تحت عنوان حق بیمه پرداخت خسارت های احتمالی خاص را تعهد می نمایند. از آنجا که وقوع خسارتها مربوط به زمان آینده است وقفه زمانی قابل ملاحظه ای بین دریافت حق بیمه و پرداخت خسارتها وجود دارد. این وقفه زمانی است که در واقع امکان سرمایه گذاری وجوه گردآوری شده تحت عنوان حق بیمه را

فراهم می‌کند، علاوه بر این توجه به حجم ذخایر فنی شرکت‌های بیمه نیز که عمده‌ترین منبع قابل سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها می‌باشد ضروری است. ذخایر فنی آن بخش از حق بیمه‌های دریافتی می‌باشد که به منظور پرداخت خسارت‌های احتمالی در شرکت بیمه نگهداری می‌شود. در واقع از دیدگاه حسابداری برای محاسبه سود شرکت‌های بیمه نمی‌توان تنها با کم کردن هزینه‌های شرکت بیمه از حق بیمه‌های دریافتی به سود واقعی شرکت دست یافت بلکه در این فرآیند باید تعهدات آتی شرکت بیمه نیز مورد توجه قرار گیرد. برای انجام تعهدات آتی، شرکت‌های بیمه مقداری از حق بیمه‌های دریافتی را تحت عنوان ذخایر فنی کنار گذاشته و بنابراین مابه‌التفاوت این دو مقدار به عنوان درآمد شرکت بیمه محسوب می‌شود، لیکن ذخایر فنی که به این صورت در شرکت‌های بیمه نگهداری می‌شود منابع قابل توجه و مناسبی برای سرمایه‌گذاری تشکیل می‌دهد زیرا به علت طولانی بودن دوره تعهد قابلیت سرمایه‌گذاری بیشتری دارند و همچنین بیمه‌های زندگی مکانیسم پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ملی را به شکل قوی‌تری تقویت می‌کند. علاوه بر آن بخشی از سود شرکت‌های بیمه نیز تحت عنوان اندوخته قانونی، اندوخته سرمایه‌ای و اندوخته احتیاطی مجدداً به جریان فعالیت‌های شرکت برگشت داده می‌شود و می‌تواند در سرمایه‌گذاری‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

معمولاً برای نشان دادن نقش صنعت بیمه در شکل‌گیری پس‌انداز ملی از نتیجه دو شاخص نفوذ بیمه‌ای، یعنی نسبت حق بیمه دریافتی به GDP و نسبت پس‌انداز ملی به GDP یا به عبارت دیگر از نسبت حق بیمه دریافتی به پس‌انداز ملی، استفاده می‌گردد. با محاسبه شاخص مذکور می‌توان سهم صنعت بیمه هر کشور را در شکل‌گیری پس‌انداز ملی که در نهایت می‌تواند به سرمایه‌گذاری ملی تبدیل شود را مشخص نمود. جدول شماره ۱ آمار و اطلاعات مربوط به نسبت پس‌انداز ملی به GDP، حق بیمه دریافتی به GDP، نسبت حق بیمه دریافتی به پس‌انداز ملی و رتبه هر کشور را برای ۱۰ کشور در حال توسعه و ۱۳ کشور توسعه یافته در سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد در بین کشورهای مورد مطالعه، انگلستان با ۹۲ درصد بالاترین رقم و بهترین رتبه را داراست. این موضوع نشان می‌دهد که نزدیک به ۹۲ درصد از پس‌اندازهای ملی کشور انگلستان توسط صنعت بیمه انباشته و به سوی زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری هدایت می‌گردد، به عبارتی در کشور انگلستان نقش صنعت بیمه در جمع‌آوری پس‌اندازهای ملی و هدایت آن به سوی سرمایه‌گذاری بیمه در یک کشور از چه توان و پتانسیل بالایی در تحرک اقتصادی و رشد و توسعه می‌تواند برخوردار شود. نکته جالب توجه دیگر اینکه کشورمان که در سال ۱۹۹۶ رتبه ۲۳ را با ۰/۰۳ درصد دارا بوده در سال ۲۰۰۵ نیز با کاهش این نسبت به ۰/۰۲ درصد کماکان همان رتبه ۲۳ را در بین ۲۳ کشور فوق دارا می‌باشد. (جدول ۱)

۳- نقش صنعت بیمه در بازارهای مالی اقتصاد

مبانی نظری علم اقتصاد، تئوری‌ها و دیدگاه‌های مختلف اقتصادی در قالب مکاتب اقتصادی و شواهد عینی و تجربی نظام‌های اقتصادی جهان، عمدتاً بر تقسیم‌بندی فعالیت‌های اقتصادی به دو بخش واقعی و مالی اتفاق نظر دارند. از طرف دیگر بر این موضوع که عمده‌های نگهدارنده و چارچوب اصلی هر نظام اقتصادی و به ویژه نظام اقتصادی مبتنی بر بازار، وجود بازارهای چهارگانه مذکور و کارکرد سالم و شفاف هر کدام از آن‌هاست که می‌تواند منجر به استفاده بهینه از منابع اقتصادی شود و از برآیند آن رشد و توسعه اقتصادی همراه با ثبات حاصل گردد. از بازارهای چهارگانه فوق دو بازار کالا و خدمات و کار مربوط به بخش حقیقی اقتصاد بوده و به بررسی و تجزیه و تحلیل مسایل

مربوط به این بخش از اقتصاد می‌پردازند و دو بازار پول و سرمایه مربوط به بخش مالی اقتصاد بوده و مسایل مربوط به بخش مالی را مورد تفحص قرار می‌دهد.

بخش مالی عمدتاً به مجموعه‌ای از ابزارهای مالی نظیر اوراق سهام، قرضه، سپرده‌های دیداری و ... و نهادهای مالی همچون بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بورس اوراق بهادار و ... و همچنین بازارهای مالی که شامل بازار پول و بازار سرمایه می‌باشد اطلاق می‌شود که نقش مهم و محوری تجهیز منابع پس‌اندازی، هدایت این منابع به سمت فعالیت‌های مولد سرمایه‌گذاری و تخصیص بهینه منابع مالی و سرمایه را دارد. چهارچوب اصلی بخش مالی را بازارهای مالی تشکیل می‌دهند که خود به بازارهای مالی کوتاه مدت و بازارهای مالی بلند مدت تقسیم می‌باشند. بازار کوتاه مدت یا بازار پول که عمدتاً مطالبات کوتاه مدت کمتر از یک سال را برای تأمین و اصلاح وضع نقدینگی و سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی عرضه می‌کند و شامل نهادهای بانکی و غیربانکی می‌باشد. بازار مالی بلندمدت یا به عبارت بهتر بازار سرمایه معمولاً اسناد بلند مدت با سررسید بیشتر از یکسال را عرضه و تقاضا می‌کند و متشکل از نهادهای مالی نظیر بانک‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های بیمه، صندوق بازنشستگی، بورس اوراق بهادار و ... می‌باشد.

۳-۱- نقش صنعت بیمه به عنوان یک نهاد مالی در بازار سرمایه

شرکت‌های بیمه نقش حساس و تعیین‌کننده‌ای در بازارهای مالی به ویژه بازار سرمایه دارند. شرکت‌های بیمه با دریافت مبالغی تحت عنوان حق بیمه پرداخت خسارت‌های احتمالی خاصی را در آینده تعهد می‌نمایند. از آنجا که وقوع خسارت‌ها اولاً با احتمال مواجه است و ثانیاً مربوط به زمان آینده می‌شود، وقفه قابل ملاحظه‌ای بین دریافت حق بیمه و پرداخت خسارت‌ها در صورت وقوع وجود دارد. این وقفه زمانی است که در حقیقت امکان سرمایه‌گذاری و جوجه انباشته شده تحت عنوان حق بیمه را فراهم می‌کند. به موجب طولانی‌تر بودن وقفه زمانی بین دریافت حق بیمه و پرداخت خسارت در رشته‌های بیمه زندگی و جوجه دریافتی از این رشته‌ها امکان سرمایه‌گذاری بیشتر و بلندمدت را فراهم می‌آورد. به همین خاطر سهم بسیار بالایی و حتی بیش از ۵۰ درصد فعالیت شرکت‌های بیمه در کشورهای توسعه یافته که دارای بازار بیمه رقابتی و کارآمد می‌باشند مربوط به رشته‌های زندگی است و این امر موجب مشارکت فعال و وسیع شرکت‌های بیمه در بازار سرمایه و تأمین جوجه برای سرمایه‌گذاری شده است. نکته‌ای که در زمینه نقش صنعت بیمه در تجهیز منابع پس‌اندازی به عنوان یک نهاد مالی باید مورد توجه خاص و ویژه قرار گیرد این است که در کشورهای در حال توسعه، با سطح درآمد سرانه پایین و به ویژه در دوره‌های سخت اقتصادی و تورمی شدید، قدرت پس‌انداز و تجهیز منابع سایر ابزارها و نهادهای مالی به شدت کاهش می‌یابد و پس‌انداز حاصل از فعالیت‌های بیمه‌ای به تنها کانال پس‌اندازی مردم مبدل می‌شود. لیکن نقش این نهاد مالی در کشورهای در حال توسعه که عمدتاً از سطح درآمد سرانه پایین برخوردارند و با کمبود منابع پس‌اندازی جهت سرمایه‌گذاری و رشد تولید مواجه بوده و بحران‌های متعدد اقتصادی و تورم بالا از خصوصیات ویژه اقتصاد آن‌هاست بیش از کشورهای توسعه یافته باید مورد توجه و عنایت قرار گیرد. علاوه بر مسئله استفاده بهینه از منابع و ذخایر فنی نزد شرکت‌های بیمه، انگیزه کسب درآمد جهت توسعه فعالیت‌های بیمه‌ای و مقابله با خسارت‌های کلان احتمالی نیز ایجاب می‌کند که مدیریت شرکت‌های بیمه در زمینه بکارگیری و استفاده هر چه بهتر از جوجه مالی شرکت‌های بیمه تلاش

جدول (۱) - مقایسه نسبت پس انداز و حق بیمه بین ۲۳ کشور جهان در سال ۲۰۰۵

ردیف	شاخص / کشور	پس انداز به GDP (درصد)	حق بیمه به GDP (درصد)	نسبت حق بیمه به پس انداز (درصد)	
				نسبت	رتبه
کشورهای در حال توسعه:					
۱	مالزی	۴۳/۵	۵/۴۲	۰/۱۲	۱۶
۲	اندونزی	۲۶/۳	۱/۵۲	۰/۰۵۷	۲۰
۳	هند	۲۸/۲	۳/۱۴	۰/۱۱	۱۷
۴	مکزیک	۲۰/۲	۱/۶۶	۰/۰۸	۱۹
۵	کنیا	۶/۸	۲/۵۶	۰/۳۷	۵
۶	ترکیه	۱۷/۱	۱/۵۵	۰/۰۹	۱۸
۷	ایران	۴۳/۱	۱/۲۷	۰/۰۲	۲۳
۸	مصر	۱۵/۸	۰/۸۵	۰/۰۵۳	۲۲
۹	پاکستان	۱۲/۲	۰/۶۷	۰/۰۵۴	۲۱
۱۰	موریتانی	۱۶/۱	۴/۳۶	۰/۲۷۰	۱۱
کشورهای توسعه یافته:					
۱۱	ژاپن	۲۴/۶	۱۰/۵۴	۰/۴۲	۴
۱۲	نروژ	۳۹/۷	۵/۳۰	۰/۱۳۳	۱۴
۱۳	پرتغال	۱۳/۵	۹/۰۷	۰/۶۷	۲
۱۴	آلمان	۲۲/۲	۶/۷۹	۰/۳۰	۹
۱۵	ایتالیا	۲۰/۸	۷/۵۹	۰/۳۶	۶
۱۶	اسپانیا	۲۴/۴	۵/۳۶	۰/۲۱	۱۳
۱۷	اتریش	۲۵/۷	۶/۱۷	۰/۲۴	۱۲
۱۸	کانادا	۲۵/۲	۶/۹۷	۰/۲۷۶	۱۰
۱۹	یونان	۱۶/۶	۲/۱۷	۰/۱۳۰	۱۵
۲۰	امریکا	۱۴/۰	۹/۱۵	۰/۶۵	۳
۲۱	سوئد	۲۴/۸	۷/۸۲	۰/۳۱۵۳	۷
۲۲	دانمارک	۲۵/۶	۸/۰۷	۰/۳۱۵۲	۸
۲۳	انگلستان	۱۳/۵	۱۲/۴۵	۰/۹۲	۱

مأخذ: IFS، سال ۲۰۰۶

ریسک و سیستم نظارتی بر امور بانکی

ریسک شامل کلیه فعالیت‌های بالقوه‌ای می‌گردد که باعث تحمیل خسارت بر یک سازمان می‌شود. آنچه که باید در ابتدا گفت این است که ریسک فی نفسه موضوع بدی نمی‌باشد، به طوری که مدیران سرمایه‌گذاری در صورتی که بخواهند به منافع قابل توجهی دست پیدا کنند باید ریسک کنند. به عبارت دیگر، آن ریسکی مضر و خطرناک است که به خوبی شناخته نشده باشد و همچنین به خوبی ارزیابی و مدیریت نشود (بخصوص، ریسک وقوع حادثه‌ای که تا آن زمان سابقه نداشته و خسارت‌های بالقوه ناشی از آن). در واقع مدیریت ریسک جزئی از یک سیستم کامل نظارتی بر امور بانکی هر کشور می‌باشد که این سیستم کامل نظارتی توسط کمیته بال در سوئیس در قالب ۲۵ اصل تحت عنوان «مبانی اصولی نظارت موثر بر امور بانکی»، آرایه گردیده است. به طور کلی ضعف در سیستم بانکداری هر کشوری اعم از توسعه یافته و یا توسعه نیافته می‌تواند باعث به خطر افتادن ثبات مالی چه در داخل آن کشور و چه به صورت بین‌المللی گردد. نیاز به گسترش و بهبود در سیستم مالی در حال حاضر، توجه جهانی را به خود جلب نموده است. لذا در سال ۱۹۹۶ و در افتتاحیه جلسه سران ۷ کشور صنعتی که در شهر لیون فرانسه برگزار گردیده بود، از چندین سازمان رسمی جهانی شامل: کمیته نظارت بر بانکداری بال، بانک تسویه‌های بین‌المللی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی خواسته شد تا راه‌های تقویت ثبات سیستم مالی جهانی را مورد بررسی قرار دهند. کمیته نظارت بر بانکداری بال به صورت مستقیم و از طریق ارتباط با ناظران بانکداری در کلیه نقاط جهان در سال‌های (۹۷-۱۹۹۶) در این زمینه به بررسی و تحقیق پرداخت که نتیجه آن در چاپ دو سند ظاهر گشت که عبارت هستند از:

- ۱- مجموعه کامل مبانی اصولی مربوط به نظارت کارایی سیستم بانکی
 - ۲- خلاصه‌ای از توصیه‌ها، رهنمودها و استانداردهای موجود کمیته بال که در مجموعه مبانی اصولی کمیته بال به آن‌ها نیز رجوع شده است.
- به طور کلی مسئولین هر کشور باید این اصول را در نظارت سازمان‌های بانکداری تحت اختیار خود بکار ببرند. پیاده‌سازی این اصول نیاز به مقدمات محدودی دارد و حتی می‌توان آن‌ها را از طریق کانال‌های نظارتی سیستم‌های مالی کشورها که در حال حاضر، جهت بررسی شرایط خاص و ریسک مورد استفاده قرار می‌گیرد به کار برد. اصول و مبانی ۲۵ گانه کمیته بال، می‌تواند به عنوان یک مرجع توسط ناظران و دیگر مسئولین کلیه کشورها و همچنین جهت تقویت سیستم نظارتی هر کشوری مورد استفاده قرار گیرد.

ریسک‌های سیستم بانکداری

بانک‌ها با توجه به ماهیت وجودی‌شان، با ریسک‌های مختلفی روبرو می‌باشند که ناظرین بانکی باید با آن‌ها آشنا شده و مشخص نمایند که آیا موسسات بانکی پیش‌بینی لازم در این زمینه را انجام داده‌اند یا خیر؟ مهم‌ترین ریسک‌هایی که سیستم بانکی با آن‌ها روبرو می‌باشد عبارتند از:

۱- ریسک اعتباری (CreditRisk)

اعطای وام اولین فعالیت اکثر بانک‌ها است لذا بزرگترین ریسکی که بانک‌ها با آن‌ها روبرو می‌باشند ریسک اعتباری است که در آن وام‌گیرنده از اجرای تعهد خود درمورد بازپرداخت وام خودداری نماید. این امر درمورد وام‌های بزرگ می‌تواند در اثر تمرکز وام‌های اعطایی بانک بر بخشی از اقتصاد یا صنایع خاص و یا یک منطقه جغرافیایی به وجود بیاید.

نمایند. بنابراین در اغلب کشورهای جهان شرکت‌های بیمه به منظور ایجاد پوشش کافی برای هزینه‌های خود، کسب درآمد و سودآوری بیشتر، رشد و توسعه فعالیت‌های بیمه‌ای و در نتیجه ارتقاء کمی و کیفی خدمات خود، آرایه خدمات با قیمت نازل جهت جذب هر چه بیشتر مشتریان و ... به عنوان یک نهاد مالی فعال در بازار سرمایه و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مشارکت می‌نمایند. به طوری که در برخی کشورهای توسعه یافته نقش صنعت بیمه در بازار سرمایه و تجهیز منابع پس‌اندازی حتی از بازار بورس اوراق بهادار و نظام بانکی به مراتب بیشتر می‌باشد.

به عنوان مثال در جدول شماره (۱) مشاهده گردید که در کشورهای انگلستان، پرتغال و آمریکا به ترتیب حدود ۹۲ درصد، ۶۷ درصد و ۶۵ درصد پس‌انداز ملی توسط صنعت بیمه انباشته و به سوی زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری هدایت می‌شود که این نقش در منابع پس‌اندازی بیشتر از نظام بانکی و بورس اوراق بهادار است. این تجربه‌ها به خوبی جایگاه صنعت بیمه را به عنوان یک نهاد مالی در تجهیز و هدایت منابع مالی به سوی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مولد و بلندمدت نشان می‌دهد. ترکیب دارایی‌های شرکت بیمه در کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که شرکت‌های بیمه در این کشورها حدود ۸۰ درصد منابع مالی خود را به فعالیت‌های مختلف سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه اختصاص می‌دهند. خلاصه کلام اینکه شرکت‌های بیمه به موجب زمینه فعالیت و گستردگی که می‌توانند داشته باشند در بازار سرمایه دارای نقش اساسی و محوری بوده و می‌توانند به عنوان ابزاری مطمئن جهت تجهیز و هدایت منابع پس‌اندازی و تحرک بازار سرمایه و در نتیجه رشد اقتصادی به کار گرفته شوند. (۴)

۳-۲- نقش صنعت بیمه در بازار پول:

بازار پول:

بازار پول، بازار مطالبات کوتاه مدت می‌باشد. گرایش اصلی بازار پول، اصولاً بر ابزارهایی متمرکز است که با استفاده از آن‌ها بتوان به سرعت وضعیت نقدینگی را تغییر داد که شامل نهادهای بانکی و غیربانکی می‌باشد. اساساً نهادهای مالی که در واقع عناصر تشکیل دهنده بازارهای مالی هستند واسطه‌های واقعی بین عرضه کنندگان و تقاضاکنندگان منابع مالی می‌باشند. هر چه تعداد نهادهای مالی که در بازار پول یا بازار سرمایه فعال می‌باشند، بیشتر باشند و این نهادها از کارایی بیشتری برخوردار باشند وظیفه بخش مالی که تجهیز و انتقال منابع مالی از عرضه کنندگان به تقاضاکنندگان توسط بازارهای مالی می‌باشد بهتر و با کارایی بالاتری انجام می‌گیرد و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی سریعتر حاصل می‌گردد. نهادهای مالی را می‌توان در یک شکل کلی به نهادهای مالی سپرده‌پذیر و نهادهای مالی غیر سپرده‌پذیر دسته‌بندی نمود. نهادهای مالی سپرده‌پذیر عمدتاً در بازار پول و غیر سپرده‌پذیر در بازار سرمایه فعال هستند. دریک دسته‌بندی کلی نهادهای فعال در بازار پول معمولاً شامل بانک‌های تجاری، بانک‌های تخصصی، بانک مرکزی، موسسات اعتباری، بانک‌های بین‌المللی و ... می‌باشند. همان‌طور که اشاره کردید بانک‌ها به عنوان نهادهای فعال در بازار پول به صورت سنتی نهادهای بزرگ تامین مالی می‌باشند و خدمات مختلفی را در اختیار پس‌اندازکننده و وام‌گیرنده قرار می‌دهند. از گذشته دور، بانک‌های تجاری موسساتی بودند که حساب‌های جاری را پردازش می‌کردند و از طریق آن‌ها، بانک مرکزی سیاست‌های انبساطی و انقباضی عرضه پول خود را در اقتصاد اعمال می‌نمود.

۲- ریسک کشور و ریسک انتقال

به: کفایت سرمایه، ذخیره مربوط به سوخت احتمالی وام‌ها، نقدینگی، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی و تمرکز دارایی‌ها می‌باشد.

اما در کنار این موارد، بسیاری از کشورهای جهان در طول ۲۰ سال گذشته با بحران بانکی روبرو بوده‌اند به طوری که در تحقیق انجام شده در سال ۱۹۹۶ مشخص گردید که از ۱۸۱ عضو صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۱۳۱ کشور در ۱۵ سال گذشته با بحران بانکی روبرو گردیده‌اند. این امر باعث گردید تا بسیاری از کشورها، به دنبال ایجاد سیستم بیمه سپرده‌ها جهت حمایت از سیستم‌های مالی خود باشند.

بیمه سپرده

حمایتی که تحت عنوان بیمه سپرده‌ها ارایه می‌گردد، در واقع، تضمینی است که بر اساس آن در صورت وقوع هرگونه مشکلی، کل و یا میزان محدودی از اصل و سود حسابی که تحت حمایت قرار گرفته است به دارنده حساب پرداخت می‌گردد. این تضمین می‌تواند یا به صورت علنی توسط قانون مطرح گردد مانند ایالات متحده و دیگر کشورها و یا اینکه توسط بخش خصوصی و بدون پشتیبانی دولت ولی زیر نظر قانون مطرح شود مانند کشور آلمان و یا می‌تواند به صورت غیر علنی و با توجه به گفته و قول‌های شفاهی مسئولین و یا رفتار آن‌ها در گذشته مطرح شده باشد. تحقیقاتی که توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) انجام گرفته است نشانگر این است که در سال‌های اخیر بسیاری از کشورها به دلیل وجود مشکلاتی در سیستم‌های ضمنی به سمت جایگزینی آن با سیستم‌های علنی حرکت نموده‌اند. هر چند دولت‌های کشورهایی که دارای سیستم‌های علنی بیمه سپرده می‌باشند نیز مجبور هستند تا هنگام وقوع بحران اقدام به مداخله در سیستم بانکی خود نمایند. در این رابطه ابتدا اتحادیه اروپا اعضای خود را موظف نمود تا در نیمه اول سال ۱۹۹۵، یک سیستم علنی بیمه سپرده‌ها را که دارای حداقل استانداردها باشد راه‌اندازی نمایند.

۳- ریسک بازار

عبارت است از تغییر در قیمت‌های بازار که این تغییرات در فعالیت‌های تجاری یک بانک در زمینه‌های خرید و فروش کالا و ارزهای خارجی و همچنین ابزارهای بدهی و یا اوراق بهادار کاملاً مشهود است.

۴- ریسک نرخ بهره

فرض کنید یک نهاد سپرده‌پذیر با افتتاح یک حساب سپرده صد میلیون دلار کسب می‌کند و این حساب سررسید یکساله دارد و این نهاد موافقت می‌کند که نرخ بهره ۷ درصد نیز بپردازد. در نظر اول چنین می‌نماید که نهاد سپرده‌پذیر تفاوتی معادل ۲ درصد (۹ درصد منهای ۷ درصد) را تثبیت کرده است اما این تفاوت فقط در سال اول قطعیت دارد زیرا تفاوت در سال آینده بستگی به نرخ بهره‌ای خواهد داشت که این نهاد پس از سررسید یکساله سپرده باید به سپرده‌گذار بپردازد که با افزایش و یا کاهش نرخ بهره در آمد نیز کاهش و یا افزایش خواهد داشت.

۵- ریسک نقدینگی

هنگامی ریسک نقدینگی رخ می‌دهد که بدهی‌های بانک در حال کاهش باشد و یا اینکه بانک نتواند دارایی‌های خود را افزایش دهد. در شرایط بحرانی ریسک نقدینگی باعث ورشکستگی بانک می‌شود زیرا نمی‌تواند منابع کافی را از طریق افزایش بدهی‌ها و یا تبدیل دارایی‌های خود به پول نقد بدست بیاورد.

۶- ریسک عملیاتی

هنگامی مهم‌ترین ریسک عملیاتی رخ می‌دهد که سیستم مدیریتی و کنترلی بانک دچار مشکل شود و یا یکی دیگر از جنبه‌های ریسک عملیاتی از کارافتادن سیستم‌های رایانه‌ای در اثر آتش سوزی و یا وقایع دیگر است.

۷- ریسک حیثیت

در نتیجه مشکلات عملیاتی در سیستم بانک و عدم تبعیت از قوانین و مقررات رخ می‌دهد. ریسک حیثیت صدمات سختی را بر بانک‌ها وارد می‌کند چرا که بانک‌ها نیاز شدیدی به جلب اعتماد سپرده‌گذاران و اعتبار دهندگان و بازار دارند.

در کل ریسک‌هایی که همراه با سیستم بانکی است باید شناسایی بررسی و کنترل شوند. ناظران در این میان از نقش حساسی برخوردارند چرا که یک بخش مهم از پروسه نظارت در توسعه و بکارگیری قوانین و مقررات احتیاطی جهت کنترل ریسک‌ها می‌باشد. این قوانین و مقررات شامل قوانین مربوط

ویژگی‌های بیمه سپرده‌ها نسبت به سایر انواع بیمه

۱- معمولاً بیمه‌ها حوادثی را پوشش می‌دهند که مستقل از وقایع دیگر رخ داده باشند و این در حالی است که ورشکستگی بانک‌ها، از یک طرف می‌تواند به دلیل رکود شدید و یا دیگر مشکلات اقتصادی در سطح کلان به خصوص به دلیل عدم وجود یک ساختار نظارتی و قانونی جهت تنظیم بازار رخ دهد و از طرف دیگر می‌تواند به دلیل ورشکستگی بانک‌ها و سرایت آن به دیگر بانک‌ها باشد.

۲- معمولاً بیمه‌ها برای پوشش بلایای طبیعی و یا وقایعی که شخص بیمه شده بر آن هیچگونه کنترلی ندارد ایجاد می‌شود و به همین دلیل، بیمه عمر، خودکشی را پوشش نمی‌دهد. در حالی که در بیمه سپرده‌ها بیمه‌باعت می‌شود تا اغلب سپرده‌گذاران به دلیل وجود چنین حمایت بیمه‌ای از تلاش خود برای جلوگیری از وقوع حادثه‌ای احتمالی علیه سپرده‌های خود بکاهند.

۳- در حالی که بیمه سپرده‌ها اساساً برای حمایت از سپرده‌گذاران و سپرده‌های آن‌ها طراحی شده است ولی این بیمه در واقع تضمینی در جهت ادامه حیات بانک‌ها از طریق ارایه مدام منابع به آن‌ها حتی در زمان‌های بحرانی نیز می‌باشد. علت وجود چنین حمایتی نیز این مسئله است که برخلاف بیمه حوادث که در آن دو نفر (بیمه‌گر و بیمه‌گذار) درگیر می‌باشند، در بیمه سپرده‌ها سه طرف به صورت مستقیم درگیر می‌باشند: بیمه‌گر، بیمه‌گذار و موسسه سپرده‌پذیر، لذا کین آنرا به یک قرارداد

ضمانت تشبیه نموده است.

۴- در بیمه سپرده ها در صورت بروز خطر و بحران- به دلیل اینکه کل سیستم مالی و بانکی کشور تهدید می شوند- دولت مجبور است دست به دخالت بزند و این در حالی است که در بیمه های دیگر، معمولاً در صورت بروز خطر دولت دخالت نمی کند.

اساساً دولت ها به دلایل متعددی از سیستم های بیمه سپرده ها حمایت می کنند. مهم ترین دلیلی که در این رابطه وجود دارد گسترش ثبات مالی با کاهش احتمال ورشکسته شدن بانک ها می باشد. از طرف دیگر، بین ثبات مالی و خطر رفتاری رابطه عکس وجود دارد. به عبارت دیگر، هر قدر ثبات مالی گسترش یابد به تبع آن نمودار خطر رفتاری سپرده گذاران و دیگر بخش های درگیر در سیستم مالی کاهش می یابد. در صورتی که دولت به دلیل بروز بحران برای جلوگیری از ورشکستگی بانک ها اقدام به افزایش پوشش تعهدات نماید این امر ممکن است در کوتاه مدت جواب دهد ولی در بلند مدت به دلیل افزایش خطر رفتاری باعث افزایش عدم ثبات مالی می گردد. به عبارت دیگر، دولت مشکل کوتاه مدت خود را که همانا افزایش هزینه های موسسات بیمه گذار و نیاز آن ها به پشتیبانی مالی دولت است با افزایش سطح پوشش به آینده موکول می نمایند. در حال حاضر، شرکت ها و تولیدکنندگان اکثر تولیدات خود را تحت پوشش های حمایتی پشتیبانی یا ضمانت قرار می دهند. زیرا برای خرید بسیاری از کالاها و خدمات تنها اعتبار مشتری کافی نمی باشد. چون این اعتبار ممکن است یک شبه از بین برود. در این رابطه می توان به سقوط یک هواپیما و یک اشتباه کننده در بیمارستان و یا مرگ ناشی از داروی آلوده اشاره نمود که باعث می شود در یک لحظه، اعتبار شرکت هواپیمایی، بیمارستان و یا تولیدکننده دارو از بین برود. لذا فروشنده برای اینکه نشان دهد خود نیز به کالای خود اعتماد دارد اقدام به ارائه پشتیبانی یا ضمانتنامه می کند. بیمه سپرده ها نیز چنین پشتیبانی را در ارتباط با عدم وجود اطلاعات مشابه در سیستم بانکی انجام می دهد. از یک طرف بانکدارها قاعدتاً دارای اطلاعات بیشتری در ارتباط با ترکیب دارایی های خود، به خصوص وام های پرداختی می باشند و از طرف دیگر طبیعی است که بررسی وضعیت بانک ها و تطابق وضعیت آن ها با یکدیگر، توسط مشتری و قبل از سرمایه گذاری، بسیار وقت گیر و هزینه بر است لذا برای بانک ها بسیار راحت تر است که به منظور جلب مشتری اقدام به ارائه ضمانت مشترک جهت سپرده ها نمایند. البته وام دهنده ها نیز در بعضی مواقع خواهان خرید بیمه از یک شخص ثالث می باشند تا اگر وام گیرنده پولشان را پرداخت نکرد، شخص ثالث هزینه ها را بپردازد. برای سپرده گذار اعتبار بانک بسیار مهم است و ایجاد اعتبار نیز به سال ها وقت احتیاج دارد در حالی که این اعتبار می تواند به سرعت از بین برود امری که باعث ورشکسته شدن سریع بانک ها می گردد که این موضوع سریعاً به بقیه بانک ها سرایت می نماید زیرا باعث بی اعتمادی مردم به سیستم بانکی می شود. بدین لحاظ مردم قوانین نظارت بر بانک ها توسط دولت را تأییدیه دولت برای بانک و ثبات بانکی می دانند. لذا بسیاری از دولت ها حتی پشت سر بانک های خصوصی ایستاده و سیستم های بیمه سپرده گذار را مورد حمایت قرار می دهند. این حمایت ها در مواردی که حتی سرمایه گذاری های صورت گرفته در ارتباط با بیمه سپرده به صورت خصوصی صورت گرفته نیز ادامه یافته است. مسئولین کشورهای مختلف دلایل متعددی را برای اجرای سیستم بیمه سپرده مطرح می کنند که شاید از مهم ترین آن ها ایجاد ثبات در سیستم بانکی باشد. به هر حال بعضی از مهم ترین اهداف مورد انتظار از سیستم بیمه سپرده ها را می توان به شرح زیر توضیح داد:

۱- اجتناب از بحران و یا حل آن

۲- حمایت از منابع سپرده گذاران کوچک

۳- کاهش تأثیر رکود

۴- محافظت از سیستم پرداخت ها

۵- توسعه رقابت بین بانک ها

۶- ارائه یک ساختار رسمی جهت حل مشکل بانک های ورشکسته

۷- اجبار سازمان های قانونگزاری و نظارتی بر اجرای صحیح وظایف خود

۸- توسعه رشد اقتصادی

۹- ارائه یارانه ها به صنایع تحت حمایت

۱۰- کاهش وظایف دولت و درگیر نمودن بانک ها.

تا سال ۱۹۹۹ صندوق بین المللی پول تحقیقاتی را بر روی سیستم های مختلف بیمه سپرده ها در ۷۲ کشور جهان انجام داد. با این تحقیق، مشخص گردید که ۶۸ کشور از ۷۲ کشور مورد بررسی دارای سیستم علنی بیمه سپرده ها می باشند.

در کشورهای اتریش، فرانسه، آلمان، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، سوئیس و انگلیس بیمه سپرده ها در ابتدای امر هیچگونه حق بیمه ای جهت عضویت در موسسه مزبور دریافت نمی کنند بلکه در صورت مشکل و ورشکسته شدن یک بانک و نیاز به حمایت از سپرده گذاران است که از بانک های عضو خواسته می شود تا با توجه به هزینه های پیش بینی شده، هر یک بخشی از هزینه ها را پرداخت نمایند. عضویت بانک ها در این نوع سیستم بیمه سپرده ها که به سیستم تحقق یافته معروف است در حال حاضر به غیر از دو کشور در بقیه کشورهای فوق الذکر اجباری می شود که این امر بخصوص در کشورهای اروپایی به دلیل دستور اتحادیه اروپا به اعضای خود، مبنی بر داشتن یک سیستم اجباری در کشور می باشد. در مقابل سیستم تحقق یافته سیستم دیگری وجود دارد که سیستم مورد انتظار نامیده می شود. در این سیستم بانک ها باید در مدت زمان های مشخص حق بیمه پرداخت نمایند. در بعضی از کشورها، این حق بیمه براساس میزان ریسکی که که بانک مذکور در عملیات خود متحمل می شود محاسبه می گردد، یعنی هر چه ریسک یک بانک بالاتر باشد حق بیمه پرداختی توسط این بانک بیشتر است. از نظر مالکیت سیستم بیمه سپرده ها نیز از کشورهای یاد شده، هفت کشور دارای سیستم بیمه ای تحقق یافته خصوصی، دو کشور دارای سیستم تحقق یافته با مدیریت مشترک و تنها یک کشور دارای سیستم تحقق یافته دولتی می باشد.

در مورد نقش بیمه سپرده ها در اقتصاد هر کشور می توان نگاهی به تجربه ژاپن داشت. تجربه کشور ژاپن در ارتباط با سیستم بیمه سپرده ها را می توان به سه دوره تقسیم نمود:

دوره اول: از سال ۱۹۷۱ میلادی شروع و تا سال ۱۹۹۲ ادامه می یابد. در این دوره سیستم بیمه سپرده ها توسط موسسه بیمه سپرده های کشور ژاپن تشکیل می گردد ولی در عین حال به دلیل وجود یکسری ضوابط و قوانین که در جهت گسترش ثبات شبکه بانکی طراحی گردیده بود، این سیستم عملاً کنار گذاشته می شود. ضوابط و قوانین مزبور در واقع به عنوان یک کمربند ایمنی غیر رسمی در حول شبکه بانکی عمل می نمود.

دوره دوم: مربوط به سال های ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۷ می گردد. این کمربند ایمنی با مشکل روبرو می شود زیرا رغبت موسسات مالی برای کمک به موسساتی که با مشکل روبرو بودند کاهش پیدا نمود و از طرف دیگر، با بروز مشکلات عدیده اقتصادی- که در ژاپن تحت عنوان «نابودی حساب اقتصادی» معروف گردید- بانک های بزرگ با مشکل عدم باز پرداخت وام ها

توسط مشتریان روبرو شدند. سهامداران بانک‌های بزرگ نیز نسبت به سیاست استفاده از منابع بانک‌های قوی برای حل مشکل دیگر بانک‌ها اقدام به اعتراض نمودند. کلیه این مشکلات همراه با سیاست‌گذاری‌های غلط و رسوایی‌های مالی که در این مدت به وقوع پیوسته بود، باعث شد تا اعتماد مردم نسبت به قانونگذاران کاهش یابد و حرکت به سوی طراحی روش‌های نظام یافته و قانونمند برای ایجاد یک شبکه مالی با ثبات آغاز گردد.

دوره سوم: از اواخر دهه ۱۹۹۰ سیستم علنی بیمه سپرده‌های یک بار دیگر مورد توجه قرار گرفت که دلایل آن عبارت بود از:

۱- در سال ۱۹۸۶ قانون موسسه بیمه سپرده اصلاح گردید و به این موسسه اجازه داده شد تا علاوه بر دریافت حق بیمه به کمک بانک‌هایی که مشکل مالی داشتند برود. این امر باعث بهبود شرایط مالی اینگونه موسسات گردید. البته کمک‌های موسسه بیمه سپرده‌ها به بانک‌ها از سال ۱۹۹۲ آغاز شد.

۲- در سال ۱۹۹۵ برای در اختیار گرفتن دارایی‌های دو موسسه مالی ورشکسته بانک توکیو و بانک کیودو تاسیس گردید. پیش‌بینی ورشکسته شدن موسسات اعتباری دیگر باعث شد تا در سال ۱۹۹۶ با سازماندهی مجدد بانک مزبور تحت عنوان بانک RCB تحت نظر موسسه بیمه سپرده‌ها به فعالیت خود ادامه دهد.

۳- در اوایل دهه ۱۹۷۰ موسسات مالی ژاپن اقدام به تاسیس هفت شرکت غیربانکی تحت نام ژوسن نمودند که وظیفه آن آرایه وام مسکن به مشتریان بود. اما بر اثر بحران‌های اقتصادی با مشکلات عدیده‌ای روبرو شدند به طوری که تبدیل این مشکلات به یک بحران گردید و در نهایت موجب تعطیلی هفت شرکت ژوسن به دلیل وجود ۷۵ درصد مطالبات غیر قابل وصول شد. در این زمان موسسه بیمه سپرده‌ها نقش مهمی را بر عهده گرفت به طوری که ۶۰ میلیارد دلار از دارایی‌های ژوسن به موسسه بیمه سپرده‌ها منتقل گردید و از طرف دیگر حسابی نیز در موسسه مزبور جهت جمع‌آوری کمک‌های بانک‌های سرمایه‌گذار ژوسن و همچنین وزارت مالیه و دیگر منابع عمومی برای پوشش بخشی از ضررهای ژوسن ایجاد گردید.

۴- مرگ کامل کمربند امنیتی ضمنی ژاپن در سال ۱۹۹۷ اتفاق افتاد. در پاییز این سال دهمین بانک بزرگ ژاپن، چهارمین موسسه بزرگ اوراق بهادار و بزرگترین شبکه بیمه عمر این کشور، همگی ورشکست شدند ولی در عین حال، دیگر موسسات مالی این کشور و حتی سهامداران ورشکسته حاضر به کمک به موسسات مزبور نشدند. وقایع مورد نظر، باعث شد تا قوانین شبکه امنیتی سیستم مالی کشور ژاپن مورد بازنگری جدی قرار گیرد که در نهایت باعث شد یک شبکه علنی وظیفه نظارت بر ریسک بانک‌ها به منظور حل مشکل آن‌ها و در صورت ضرورت، افزایش سرمایه بانک‌ها را بر عهده گیرد. شبکه علنی مزبور در واقع همان سیستم بیمه سپرده‌های ژاپن بود. (۵)

در هر صورت همان‌طور که مشاهده گردید بیمه سپرده به منظور حمایت از سپرده‌گذاران کوچک و جلوگیری از

بحران‌های بانکداری بوجود آمده که با ایجاد اطمینان و اعتماد عمومی به موسسات مالی و بانکی سبب بهبود فعالیت‌های اقتصادی می‌گردد. ضرورت دیگری که وجود بیمه سپرده را حیاتی می‌سازد جلوگیری و یا کاهش پتانسیل بالقوه فرار سرمایه است که بر اثر وقوع بحران‌های مالی و بانکی به وقوع می‌پیوندد و به عبارت دیگر در صورت عدم وجود سیستم بیمه سپرده با ورشکستگی بانک‌ها، سرمایه‌ها به علت احساس عدم امنیت از کشور خارج شده لذا تمایل به سرمایه‌گذاری نیز در کشور کاهش می‌یابد که در نهایت اقتصاد هر کشوری دچار آسیب می‌گردد. (۶)

۴- نقش صنعت بیمه در اقتصاد جهانی

شرکت‌های بیمه نه تنها بر اقتصاد داخلی تاثیر می‌گذارند، بلکه به علت ماهیت بین‌المللی مبادلات بیمه‌ای، بر روابط اقتصادی با سایر جهان نیز موثرند. به طوری که آمارهای دهه ۱۹۹۰ حاکی از آن بود که حدود ۱۷ درصد حق بیمه رشته عمر (زندگی) و ۳۹ درصد حق بیمه رشته‌های غیر عمر (غیر زندگی) از خارج از کشورها کسب شده‌اند. حال با توجه به افزایش جریان نقدینگی در سطح اقتصاد جهان و گسترش تجارت کالا و خدمات می‌توان اذعان نمود که با توجه به آمار این نسبت‌ها در پایان دهه فعلی افزایش یابند.

اهداف معاملات بین‌المللی صنعت بیمه

خردباران و فروشندگان صنعت بیمه ممکن است که مجبور شوند تا خود را در معاملات بین‌المللی صنعت بیمه قرار دهند به دلایل:

الف) تجارت برون مرزی

۱- در مناطقی که پوشش بیمه بومی نمی‌تواند باشد چرا که مثلا امکان دارد ریسک بزرگ‌تر و یا پر اهمیت‌تر از آن باشد که بازاری بیمه محلی قادر به بیمه کردن آن باشد (به دلیل کمبود تجربه یا ظرفیت بیمه‌پذیری).

بسیاری از کشورها در چنین مواقعی با ایجاد تجارت برون مرزی اجازه تحرک صنعت بیمه خود را در خارج از مرزهای داخلی خود می‌دهند. بسیاری از قراردادهای بیمه اتکایی به واسطه گسترش ریسک تا حد امکان و جلوگیری از ضربه‌پذیری بیمه‌گران در سطح جهان و مابین شرکت‌های بیمه بزرگ جهانی منعقد می‌گردد. به عنوان مثال بیمه

گروگان‌گیری یا آدم‌ربایی بر اساس قانون در بسیاری از کشورها قابل اجرا نمی‌باشد لذا اگر شخصی مایل به دریافت بیمه آدم‌ربایی می‌باشد باید در کشورهای خارجی که این بیمه قانونی و مجاز می‌باشد اقدام به بیمه کردن خود نماید.

۲- در کشورهایی که پوشش بیمه بسیار گرانتر از پوشش بیمه در کشورهای خارجی می‌باشد. زیرا در بعضی از کشورها به دلیل وجود تعرفه‌ها که بر هزینه بیمه آن‌ها افزوده می‌گردد و همین‌طور کوچک بودن مقیاس شرکت‌های بیمه که باعث افزایش هزینه‌ها و لذا حق بیمه‌های می‌گردد، باعث می‌شود که افراد مایل به بیمه کردن خود در کشورهای خارجی که به دلیل حجم فعالیت بالا و عدم وجود موانع تعرفه‌ای و ...



که هزینه‌های بیمه‌ای پایینی دارند باشند.

۳- در کشورهای بی‌بیمه‌ای که پرداخت حق بیمه به ارز خارجی باعث ضربه به سیستم اقتصادی نبوده و به راحتی در دسترس می‌باشد تشویق بیمه‌گذاران به طرف بیمه‌گران خارجی وجود دارد.

۴- در بعضی از کشورها که اتباع خارجی حضور دارند تمایل به مراجعه به بیمه‌گران و شرکت‌های بیمه داخلی کشور میزبان نداشته و علاقه‌مند به بیمه شدن در شرکت‌های بیمه کشور خود می‌باشند به خصوص اگر شرکت‌های بیمه وطنی آن شخص شرکت‌های بزرگ و جهانی در صنعت بیمه باشند.

ب) تاسیس و پیشبرد کسب و کار بیمه

دلایلی وجود دارد که یک بیمه‌گر خارجی نیز تمایل به سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی دارد که عبارتند از:

۱- کسب و کار برون مرزی: یک دلیل اصلی برای یک شرکت بیمه که مایل به گسترش صنعت خود در کشورهای دیگر می‌باشد همان رشد صنعت و سودآوری بیشتر آن نسبت به داخل می‌باشد.

۲- تشویق یا حمایت بوسیله دولت‌ها: بنا به دلایل بسیاری از جمله منع قانونی یک کشور خارجی و یا حمایت یک کشور خارجی از صنعت بیمه بومی خود بواسطه تعرفه‌ها و ... یک صنعت بیمه شاید نتواند در یک کشور خارجی به فعالیت بپردازد که در صورت نبودن این موانع مصنوعی و ساخته دولت‌ها، بسیاری از بیمه‌گران تمایل به حضور در بازارهای جهانی بیمه دارند (در دیگر کشورها). به عنوان مثال در اتحادیه اروپا طبق کلیه قوانین مصوب قرار دارد یک بازار مشترک اروپایی در صنعت بیمه باید ایجاد می‌گردد که این قوانین به سرعت در بیمه‌های اتکایی مورد توجه قرار گرفت. چرا که اساساً فلسفه بیمه‌های اتکایی حمایت بیمه‌ای مابین بیمه‌گران خارجی و بین‌المللی به منظور پوشش ریسک‌های بسیار بزرگ و پر اهمیت می‌باشد. البته در این راه موانع و مشکلات زیادی به وجود آمده است از جمله حمایت‌های بعضی دولت‌ها از صنعت بیمه داخلی خود همانند آلمان، دانمارک و ... که با مخالفت و طرح دعوی دیگر کشورهای اتحادیه اروپا مواجه گردید. در نهایت با بحث و گفتگوهای بسیار در دهه ۱۹۹۰ آزادی تجارت و خدمات از جمله آزادی فعالیت صنعت بیمه در کشورهای عضو اتحادیه اروپا به منظور مقابله با ریسک‌های بزرگ و مهم برای ایجاد رقابت میان صنایع بیمه کشورها و بهره‌مندی مصرف‌کنندگان اروپایی مورد موافقت اکثر اعضای اتحادیه قرار گرفت که هم اکنون شاهد سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های بزرگ شرکت‌های بیمه برتر کشورهای اروپایی در کشورهای دیگر می‌باشیم که در کل باعث مقابله هر چه بیشتر و بهتر با ریسک‌های بزرگ و سودآوری و هر چه بیشتر شرکت‌های بیمه و افزایش بهره‌مندی افراد جامعه گردیده است. (۷)

اکنون با این تفصیلات می‌توان به نقش‌هایی که صنعت بیمه می‌تواند در اقتصاد جهانی داشته باشد اشاره نمود:

۴-۱- تاثیر بیمه بر تراز پرداخت‌ها

اساساً تجارت خارجی بیمه به دو طریق صورت می‌گیرد:

الف) تاسیس شعبه یا نمایندگی که در این حالت بیمه‌گر یک نماینده محلی انتخاب نموده یا دفتر فرعی در خارج ایجاد می‌کند و به طور مستقیم اقدام به قبول بیمه می‌نماید.

ب) صدور خدمات بیمه‌ای: شرکت بیمه‌ای که در یک کشور تاسیس شده است اقدام به قبول بیمه از ساکنان کشور دیگر می‌کند. در این حالت شرکت بیمه به صدور خدمات بیمه‌ای می‌پردازد. در بریتانیا فعالیت خدمات

بیمه‌ای توسط شرکت‌های فعال در بازار بیمه لویذز و لندن صورت می‌گیرد که مقدار قابل توجهی از آن را بیمه مجدد دربر می‌گیرد. هر دو نوع فعالیت بیمه‌ای بین‌المللی مورد اشاره باعث ایجاد اقلامی در سمت دارایی‌ها و بدهی‌های تراز تجاری هر کشور می‌گردد. یعنی ارقام مربوط به ارزش صادرات و واردات کالاها و خدمات که در حساب جاری ذکر می‌شود و نقل و انتقال سرمایه‌ها که در حساب سرمایه ثبت می‌گردد که دوره زمانی آن معمولاً یک سال می‌باشد. به این ترتیب می‌توان دریافت که افزایش صادرات خدمات بیمه‌ای یک کشور باعث افزایش ورود ارز خارجی و درآمد خارجی و همچنین تاثیر بر مثبت شدن تراز خارجی آن کشور می‌گردد. به طور مثال خالص صادرات بیمه بریتانیا مثبت است و صدور بیمه نامه در بریتانیا برای ریسک‌های خارجی و درآمد کارگزاران از خارج بخش قابل توجهی از درآمد نامرئی کشور را شامل می‌گردد. (۸)

۴-۲- ریسک کشور (ریسک‌های بین‌المللی)

همان طور که قبلاً نیز در ارتباط با سیستم بیمه سپرده گفته شد در ارتباط با وام‌هایی که به صورت بین‌المللی به یک کشور در جهت افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی آن کشور اعطا می‌گردد ریسکی تحت عنوان ریسک کشور وجود دارد که این ریسک اشاره به ریسکی دارد که نشان از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور وام‌گیرنده می‌باشد. به دلیل اینکه این ریسک مربوط به شرایط دریافت وام از خارج از کشور می‌باشد لذا صنعت بیمه در این زمینه نقش موثری ایفا می‌نماید. بدینگونه که معمولاً در اینگونه موارد بیمه‌های بزرگ و چه بسا بیمه‌های دولتی کشورهای وام‌گیرنده و ریسک‌پذیری آنرا پذیرند تا انتقال وام ممکن گردد. در این مورد می‌توان به دریافت وام‌های بزرگ بین‌المللی در کشور خودمان ایران اشاره نمود که در دوران پس از جنگ و با توجه به شرایط خاص اقتصادی آن دوره، از رتبه ریسک بین‌المللی مناسبی جهت دریافت وام برخوردار نبود که در آن زمان با پذیرش ریسک توسط بیمه عمر هرمس آلمان و یا ساچه ایتالیا، دریافت و انتقال وام‌های بین‌المللی جهت انجام بازسازی اقتصادی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد امکان‌پذیر گردید. (۹)

۴-۳- بیمه و تجارت جهانی خدمات

ویژگی بین‌المللی شدن خدمات بیمه‌ای مرتبط با کالاهایی که در سطح بین‌المللی مبادله می‌شوند، پدیده جدیدی نیست. بیمه ترانزیت، حمل و نقل و نیز بیمه اعتبار صادراتی اغلب از نظر تاریخی با الگوی تجارت بین‌المللی ارتباط دارند. همه کشورهایی که سیاست حمایت از محصولات داخلی را توسعه داده‌اند باید تولید خدمات بیمه‌ای داخلی را در مقابل وارد کردن چنین خدماتی مد نظر قرار دهند. در کشورهای در حال توسعه بیمه یکی از ابزارهای اقتصاد کلان به شمار می‌رود و بسیاری از دولت‌ها از آن نه صرفاً برای تولید خدمات بیمه‌ای بلکه در جهت هدف‌های اقتصاد کلان و هدف‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. گسترش فعالیت شرکت‌های چند ملیتی به افزایش تقاضا برای پوشش بیمه‌ای بین‌المللی منجر شده است. افزایش در تعداد، اندازه و پیچیدگی ریسک‌ها، روند، مهارت و تنوع تولیدات بین‌المللی را بهبود بخشیده است. محیط سیاسی، حقوقی و فرهنگی و نیز شرایط اقتصادی عواملی هستند که در تجارت بین‌المللی موانع و مشکلاتی پدید می‌آورند. با وجود این، اکثر ریسک‌های قابل بیمه به طور خالص داخلی هستند و معاملات بیمه‌ای بین‌المللی در مورد این ریسک‌ها به علت اینکه در واقع یا ممنوع شده یا منوط به نوعی تعرفه حمایتی است بعید به نظر می‌رسد که در مقیاس بزرگ باشند.

در نیمه دوم قرن بیستم شاهد رشد و بالندگی بخش بیمه در اکثر کشورهای صنعتی بودیم. افزایش سالانه حق بیمه‌های دریافتی به طور چشمگیری بیشتر از کاهش ارزش پول و بسیار بیشتر از افزایش تولید ناخالص داخلی GDP بوده است. شاخص نسبت حق بیمه به GDP در یک کشور شاخصی است که معمولاً برای ارزیابی میزان اهمیت بیمه در اقتصاد بکار می‌رود. گرچه این شاخص به دلیل تنوع نرخهای حق بیمه در کشورهای مختلف تصویر کاملی از بازده بیمه‌ارایه نمی‌دهد لیکن به علت اینکه تحت تاثیر عوامل پولی قرار نمی‌گیرد مزایایی دارد. با توجه به آمار معتبری که اونکتاد (کنفرانس تجارت و توسعه وابسته به سازمان ملل متحد) از بیمه نموده است به جز چند استثناء نسبت کل حق بیمه به GDP در کشورهای صنعتی بسیار بیشتر از ۲ درصد و در کشورهای در حال توسعه کمتر از ۲ درصد است. رابطه بین توسعه اقتصادی و اهمیت بخش بیمه وقتی بیشتر تایید می‌شود که این نسبت در کشورهای با کمترین توسعه بررسی شود. با نگاهی به آمارهای موجود گذشته مشاهده گردیده است که نسبت کل حق بیمه به GDP طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۱ تقریباً در کلیه کشورهای افزایش یافته است که بر اهمیت روزافزون بخش بیمه در اقتصاد کشورها دلالت دارد. این شاخص به ویژه در ژاپن و کره جنوبی چشمگیر است. تا سال ۲۰۰۱ انگلستان بالاترین نسبت را داشته است و بعد از آن به ترتیب سوئیس، کره جنوبی و ژاپن قرار دارند. این در حالیست که در سال ۲۰۰۵ انگلستان پس از تایوان و آفریقای جنوبی در رده سوم قرار گرفت- تایوان (۱۴/۱۱ درصد)، آفریقای جنوبی (۱۳/۸۷ درصد)، انگلستان (۱۲/۴۵ درصد) - و ژاپن نیز به رده ششم سقوط کرد. از طرف دیگر نگاهی به درآمد حق بیمه جهانی و توزیع منطقه‌ای آن نشان می‌دهد که بین سطح توسعه و اهمیت بیمه به منزله یک فعالیت اقتصادی رابطه‌ای وجود دارد. در سال ۲۰۰۵ نزدیک به ۹۰ درصد بازار بیمه جهان به کشورهای آمریکای شمالی، اروپای غربی و ژاپن اختصاص داشت. در واقع فقط ۵ کشور نزدیک به ۶۸/۵ درصد حق بیمه جهانی را تولید کردند: ۳۳/۶ درصد آمریکا، ۱۳/۹ درصد ژاپن، ۵/۷۶ درصد آلمان، ۸/۷۶ درصد انگلستان، ۶/۴۹ درصد فرانسه. آمریکای شمالی از دهه ۱۹۸۰ نتوانست سهم خود را در بازار جهانی حفظ کند و امروزه سهم آسیا در بازار جهانی به سهم اروپا نزدیک می‌شود. البته آمریکا با حاشیه امنیت مناسب همچنان در صدر جدول قرار دارد گرچه سهم این کشور از ۶۱/۵ درصد تقریباً به ۳۳/۶ درصد بین سال‌های ۱۹۶۷ و ۲۰۰۵ کاهش یافته است. در سال ۲۰۰۵ ایالات متحده که در حدود ۵ درصد جمعیت جهانی را دارد، ۳۳/۶ درصد حق بیمه جهانی را در اختیار گرفت. اما بیشترین رشد حق بیمه در آسیا مشاهده شد، جایی که قوی‌ترین جهش‌ها در کشور ژاپن و اخیراً در کره جنوبی رخ داد. چند سال پیش ژاپن در بین همه کشورهای مهم جهان از لحاظ افزایش حق بیمه، بالاترین نرخ واقعی را داشت. اما در سال ۲۰۰۴ کره جنوبی با بیش از ۱۰ درصد رشد، بالاترین میزان نرخ رشد را تجربه کرد. در واقع در دهه ۱۹۸۰ صنعت بیمه در آسیا با افزایش واقعی کل فعالیت بیمه‌ای یعنی دو برابر میانگین در کشورهای OECD قوی‌ترین رشد را نشان داد. چرا که سریع‌ترین اقتصادهای در حال رشد جهان را در آسیای شرقی و آسیای جنوب شرقی می‌توان مشاهده کرد. همسو با این توسعه اقتصادی، صنعت بیمه کشورهای آسیایی نیز در دهه گذشته رو به توسعه بوده است. هر چند بیمه در اقتصاد داخلی و بین‌المللی در درجه اول اهمیت قرار دارد ولی ارزیابی نقش بیمه در فرایند توسعه کشورهای جهان مشکل است و این نقش در اکثر کشورهای در حال توسعه کم اهمیت مانده است. در واقع سهم حق بیمه کشورهای در حال

توسعه، آفریقا و آمریکای لاتین از بازار بیمه جهانی طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ رو به کاهش بوده است. البته این سهم در دهه فعلی در کشورهای آمریکای لاتین مقداری تعدیل شده اما در آفریقا همچنان به روند نزولی خود ادامه داده است. هر چند کشورهای در حال توسعه بیش از ۷۵ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند اما سهمشان در حال حاضر از حق بیمه تولیدی در بازار بیمه جهانی فقط ۱۲/۵ درصد است. (۱۰)

در هر صورت امروزه بیمه نقش مهم و روزافزونی در اقتصاد جهانی ایفا می‌کند. به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای توسعه یافته فعالیت‌های بیمه‌ای رشد سریعی داشته است. بیمه که بخشی از توسعه کلی یک اقتصاد قلمداد می‌شود مانند دیگر خدمات مالی، رشد کیفی مطلوبی داشته است. امروزه تمامی بازارهای بیمه محلی کشورهای جهان، بیشتر ریسک‌های داخلی را پوشش می‌دهند. بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با هدف هرچه قوی‌تر کردن بازارهای داخلی خود شماری از معیارهای دولتی و عمومی را پذیرفته‌اند. این روزها اغلب چنین استدلال می‌شود که رقابت جهانی و آزادسازی خدمات مالی موجب گسترش هر چه بیشتر در عملکرد نسبی بخش بیمه در هر کشور خواهد شد. (۱۱)

نگاهی کوتاه به نقش صنعت بیمه در اقتصاد ایران

با وجود اینکه بیمه و همیاری به شکل سنتی در کشور ماریشه دیرینه دارد اما بیمه به شکل امروزی نسبت به سایر کشورها و به ویژه کشورهای اروپایی، موضوعی است جدید و کمتر از یک قرن سابقه دارد. عملکرد شرکت‌ها و صنعت بیمه نشان می‌دهد که صنعت بیمه در ایران از وضعیت و جایگاه مناسبی برخوردار نیست. مقایسه کل حق بیمه‌های دریافتی، نسبت حق بیمه‌های دریافتی به GDP، حق بیمه سرانه، ترکیب حق بیمه‌های دریافتی از نظر بیمه‌های زندگی و غیر زندگی و تعداد شرکت‌های بیمه با تجربه نسبت به سایر شرکت‌های بیمه در ایران، هنوز تا حالت مطلوب خود فاصله بسیار زیادی دارد. بازار بیمه ایران در سال‌های قبل از انقلاب از رقابت نسبی برخوردار بوده به طوری که رشد سریع اقتصادی ناشی از افزایش شدید قیمت نفت و به تبع آن حجم سرمایه‌گذاری‌ها موجب توسعه بازار بیمه کشور در دهه ۱۳۵۰ گردید و مجدداً شرکت‌های بیمه خارجی را علاقمند به فعالیت و سرمایه‌گذاری در ایران نمود، به طوری که در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ چهار شرکت بیمه جدید به نام‌های شرکت بیمه تهران، دانا، حافظ، ایران و آمریکا (توانا) با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی تاسیس گردید. قابل توجه است که در سال‌های پایانی نیمه اول دهه ۱۳۵۰ تعداد شرکت‌های بیمه ایرانی به ۱۳ شرکت رسید. به طور کلی حمایت موثر دولت از طریق بکارگیری ابزارهای مختلف جهت فراهم آوردن هر چه بهتر فعالیت شرکت‌های بیمه ایرانی و گسترش تعداد شرکت‌های بیمه و فراهم آوردن شرایط یک بازار رقابتی در صنعت بیمه کشور از ویژگی‌های مهم و مثبت صنعت بیمه در سال‌های قبل از انقلاب بوده است. اما در دوران بعد از انقلاب و در سال ۱۳۵۸ کلیه شرکت‌های بیمه خصوصی، ملی گردید و اداره آن‌ها به دولت سپرده شد. این تحول همزمان با مصادره و ملی کردن بسیاری از فعالیت‌ها و صنایع تولیدی در بخش‌های مختلف اقتصادی اتفاق افتاد. در این راستا مجوز فعالیت نمایندگی‌های شرکت‌های بیمه که تا آن زمان در ایران فعالیت بیمه‌ای انجام می‌دادند نیز لغو گردید. بدین ترتیب این تحول عملاً زمینه انحصار را در صنعت بیمه ایران در بعد از انقلاب به وجود آورد که خود به مرور موجب کندگی در فرایند رشد و توسعه صنعت بیمه و حاکمیت عدم کارایی بر فعالیت‌های بیمه‌ای ایران شد که ناخودآگاه بر نقش این صنعت در اقتصاد ایران نیز سایه افکند. با وجود اهمیت

و نقش سرمایه‌گذاری در رشد و توسعه کمی و کیفی صنعت بیمه و بازار سرمایه اما این مسئله هنوز نزد صنعت بیمه کشور مورد عنایت قرار نگرفته است و به موجب عملکرد ضعیف این صنعت، ذخایر فنی و وجوه قابل سرمایه‌گذاری در این صنعت با وجود پتانسیل بالقوه بسیار بالا، بسیار کم می‌باشد. ترکیب دارایی شرکت‌ها و صنعت بیمه نشان می‌دهد که حدود ۴۰ درصد دارایی‌ها بصورت سپرده نزد نظام بانکی نگهداری می‌شده است و به دلیل چند برابر بودن نرخ تورم نسبت به نرخ سود بانکی، طی این دوره ارزش این دارایی‌ها به شدت کاهش یافته است و این به ضرر صنعت بیمه و اقتصاد کشور بوده است. همچنین ۴۰ درصد بقیه دارایی نیز بصورت سایر دارایی‌ها که عمدتاً عایدی قابل ملاحظه‌ای ایجاد نمی‌کنند بوده است. ۲۰ درصد بقیه نیز شامل مطالبات بلندمدت اوراق قرضه دولتی و سرمایه‌گذاری بوده است. قابل ذکر است که طی دوره ۱۳۷۶-۱۳۶۷ تنها به طور متوسط ۳/۸۹ درصد دارایی‌های صنعت بیمه سرمایه‌گذاری شده است. طی دوره مورد بررسی سهم صنعت بیمه در شکل‌گیری پس‌اندازهای ملی حدود ۳ درصد بوده و میزان مشارکت آن در سرمایه‌گذاری‌های ملی حتی کمتر از یک درصد می‌باشد که در مقایسه با تجربه سایر کشورها بسیار ناچیز و نگران‌کننده است. علاوه بر ناچیز بودن سهم سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های بیمه در سرمایه‌گذاری‌های ملی و اقتصاد ایران، بازدهی سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های بیمه در مقایسه با بازدهی سرمایه‌گذاری در بازار بورس نیز بسیار پایین و قابل تامل می‌باشد. به طوری که طی دوره ۱۳۶۷-۷۶ بطور متوسط بازدهی سرمایه‌گذاری صنعت بیمه حدود ۱۲ درصد بوده در حالی که متوسط بازدهی سرمایه‌گذاری در بازار بورس طی همین دوره حدود ۴۵/۵ درصد بوده است. با این حال در سال ۲۰۰۵ میلادی رقم شاخص‌های کل حق بیمه دریافتی، حق بیمه و نسبت حق بیمه کل به تولید ناخالص داخلی به طور متوسط و به ترتیب برای کشورهای صنعتی ۲۹۹،۸۶۹۴ میلیون دلار، ۳۲۸۶/۸ دلار و ۸/۹۶ درصد به دست آمده و رقم شاخص‌های مذکور به ترتیب برای کشورهای نوظهور نیز ۲۷۰۲۰۰۴ میلیون دلار، ۷۶/۵ دلار و ۳/۵۸ درصد حاصل گردید. این درحالیست که شاخص‌های مذکور برای صنعت بیمه در ایران در این سال به طور متوسط به ترتیب ۲۳۸۸ میلیون دلار، ۳۴/۹ دلار و ۱/۲۷ درصد می‌باشد که فاصله زیادی با متوسط هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه دارد. رقم شاخص کل حق بیمه دریافتی و حق بیمه سرانه در ایران طی دوره مورد بررسی تنها ۰/۰۰۷۲ ارقام مشابه در کشورهای صنعتی و ۰/۰۰۵ ارقام مشابه در کشورهای نوظهور می‌باشد. همچنین نسبت کل حق بیمه دریافتی به کل تولید ناخالص داخلی GDP برای ایران به ترتیب ۰/۱۴ کشورهای صنعتی و ۰/۳۵ کشورهای نوظهور می‌باشد. ترکیب حق بیمه‌های دریافتی در سایر کشورها تقریباً به صورت ۶۰ درصد بیمه‌های زندگی و ۴۰ درصد بیمه‌های غیر زندگی است. این در حالی است که این ترکیب در ایران به صورت ۷ درصد بیمه‌های زندگی و ۹۳ درصد بیمه‌های غیر زندگی است. متوسط شرکت‌های فعال در بازار بیمه ۴۵ کشور توسعه یافته و در حال توسعه، ۱۹۰ شرکت می‌باشد. تعداد شرکت‌های فعال در بازار بیمه ایران تا پایان سال ۱۳۸۴ چهار شرکت دولتی و ۱۲ شرکت خصوصی بوده است. تجزیه و تحلیل ترکیب دارایی شرکت‌های بیمه در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان از این واقعیت دارد که به طور متوسط در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ترتیب حدود ۸۰ درصد و ۴۴ درصد دارایی این شرکت‌ها به طرق مختلف وارد بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری شده است.^(۱۲) بررسی ترکیب دارایی صنعت بیمه در ایران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۴ به طور متوسط حدود ۲۱ درصد دارایی این صنعت وارد بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلندمدت شده است.

در حالیکه اگر صنعت بیمه ایران در این سال از دارایی‌های خود همانند کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه استفاده می‌نمود یعنی حدود ۸۰ درصد و یا ۴۴ درصد آن را وارد بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری می‌کرد به ترتیب رقم سرمایه‌گذاری این صنعت به ۱۳۳۶۵/۷ میلیارد ریال و ۲۲۴۸۳/۲ میلیارد ریال می‌رسید که به ترتیب ۳/۶۸ برابر و ۲ برابر وضعیت فعلی می‌باشد.^(۱۳) (جدول ۲)

البته با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در برنامه سوم توسعه کشور در سال‌های اخیر به علت فزونی رشد حق بیمه‌ها در مقایسه با رشد تولید ناخالص داخلی کشور، نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی GDP با افزایش همراه بوده است به طوری که نسبت مذکور به ۱/۲۷ درصد در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است.

اما همچنان سهم حق بیمه سرانه در بیمه‌های غیر زندگی معادل ۹۳/۴ درصد و برای بیمه زندگی برابر ۶/۶ درصد بوده است. همچنین در این سال رتبه‌بندی شرکت‌های بیمه از نظر تولید حق بیمه به شکل زیر بوده است: شرکت‌های بیمه ایران، آسیا، بیمه‌های بخش خصوصی، دانا، البرز، که به ترتیب با در اختیار داشتن ۵۲/۸، ۱۷/۲، ۱۳/۷، ۹/۴ و ۶/۹ درصد از حق بیمه بازار به دنبال هم قرار گرفته‌اند که در طی سال ۱۳۸۴ از لحاظ میزان فعالیت، شرکت بیمه ایران همچنان سهم اصلی بازار را در اختیار داشته است که این خود نشان از این مسئله دارد که هنوز بخش عمده و اعظم فعالیت بیمه‌ای در ایران در حاکمیت سیستم دولت می‌باشد.^(۱۴)

در هر حال این محاسبات و آمار و ارقام نشان می‌دهد که در صنعت بیمه ایران چه توان بالقوه عظیمی وجود دارد که متأسفانه تاکنون مورد توجه و عنایت قرار نگرفته است. اگر برنامه‌ریزان کشور و صنعت بیمه بطور هماهنگ بتوانند با اعمال برنامه‌های هدفمند و زمان‌بندی شده و مدیریت کارآمد دارایی‌ها، این توان بالقوه را مورد توجه قرار داده و به توان بالفعل تبدیل نمایند، صنعت بیمه کشور مان می‌تواند ضمن دگرگونی وضعیت جاری خود، باعث تحرک و پویایی بازارهای مالی و به ویژه بازار سرمایه در اقتصاد کشور گردد و از این طریق زمینه و بستر مناسب رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران نیز فراهم گردد.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه شد در این تحقیق سعی گردید تا در حد مقنن نقش‌های مختلف صنعت بیمه در اقتصاد نشان داده شود. به همین منظور ابتدا به تاریخچه صنعت بیمه پرداخته شد و سپس به نقش و جایگاه صنعت بیمه در اقتصاد از طریق کاهش ریسک، نقش آن در سرمایه‌گذاری در اقتصاد و همچنین جایگاه صنعت بیمه در بازارهای مالی یک اقتصاد که از دو بخش بازار پول و بازار سرمایه تشکیل شده است اشاره گردید. در ادامه نقش صنعت بیمه در اقتصاد جهانی شرح داده شد و در نهایت با نگاهی گذرا به نقش صنعت بیمه در اقتصاد ایران نیز به پایان رسید. حال با توجه به موارد شرح داده شده در تحقیق می‌توان دریافت که شرکت‌های بیمه و به طور کلی صنعت بیمه به موجب زمینه فعالیت گسترده‌ای که می‌توانند داشته باشند، در اقتصاد نیز دارای نقش اساسی بوده و می‌توانند به عنوان ابزارهای مطمئن جهت تجهیز و هدایت منابع پس‌اندازی، تحرک بازار سرمایه و همچنین کاهش ریسک در داخل و خارج گردد که خود موجب سرمایه‌گذاری‌های مطمئن و کلان (چه داخلی و خارجی) در اقتصاد گردیده و افزایش رشد اقتصادی و رفاه جامعه هر کشوری را سبب می‌گردد که البته این نقش با توجه به روند جهانی شدن اقتصاد و طبعاً افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی و نیاز به تولید و رشد اقتصادی

جدول ۲- اطلاعات مربوط به متوسط، متوسط برخی شاخص‌های بیمه‌ای برای کشورهای صنعتی، نوظهور و ایران (سال ۲۰۰۵)

عنوان	کل حق بیمه دریافتی (میلیون دلار)	حق بیمه سرانه (دلار)	نسبت بیمه به GDP (درصد)	سهام حق بیمه‌های دریافتی در رشته‌های زندگی و غیرزندگی		نام کشور
				زندگی	غیرزندگی	
کشورهای صنعتی	۲۹۹۸۶۹۴	۳۲۸۶/۸	۸/۹۶	٪۵۷	٪۴۳	
کشورهای نوظهور	۴۲۷۰۲۰	۷۶/۵	۳/۵۸	٪۶۰	٪۴۰	
ایران	۲۳۸۸	۳۴/۹	۱/۲۷	٪۶۶	٪۹۳/۴	
وضعیت ایران نسبت به کشورهای صنعتی	۰/۰۰۰۷	۰/۰۱	۰/۱۴	-	-	
وضعیت ایران نسبت به کشورهای نوظهور	۰/۰۰۵	۰/۴۵	۰/۳۵	-	-	

مأخذ: نشریه زیگما، شماره ۵، سال ۲۰۰۶ و گزارش عملکرد صنعت بیمه ایران در سال ۸۴، انتشارات بیمه مرکزی ایران

غیردولتی در جمهوری اسلامی» پژوهشکده پولی و بانکی- بانک مرکزی ایران، سال ۱۳۸۱، صص ۹۰-۵۹

۶- خادمعلی، منصور، «بیمه سپرده و ضرورت شکل‌گیری آن در سیستم بانکی کشور»، ماهنامه تازه‌های جهان بیمه، شماره ۷۹، سال ۱۳۸۳، صص ۳۴

7- S.R.Diacon and R.L. Carter, Success in Insurance“, John-Murry Publication, pp: 962-672”

۸- شکرزی، علی، «صنعت بیمه و نقش آن در اقتصاد» نشریه تازه‌های جهان بیمه، شماره ۷۹، سال ۱۳۸۳، صص ۱۲-۲

۹- احمدی‌امویی، بهمن، «اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات گام نو، سال ۱۳۸۳، صص ۱۳۳، (مصاحبه با دکتر محسن نوربخش رئیس کل سابق بانک مرکزی ایران)

بیشتر به منظور افزایش توان رقابت در بازارهای بین‌المللی از یک طرف و همین‌طور گسترش بازار کالا و خدمات جهت افزایش هرچه بیشتر درآمد ملی از راه پیشبرد صادرات از طرف دیگر روز به روز پراهمیت‌تر و حیاتی‌تر گردیده که با توجه به پیشرفت و ارتقاء کیفی خدمات بیمه‌ای و توسعه هرچه بیشتر این صنعت در دنیا، نیاز به تاملی دوباره و وزن بخشیدن هرچه بیشتر به این صنعت با استفاده از راهکارهای مناسب جهت از میان بردن موانع و مشکلات ساختاری آن بیش از گذشته لازم و ضروری می‌نماید.

پی‌نوشت‌ها:

۱۰- نشریه زیگما، شماره ۵، سال ۲۰۰۶ (گزارش سالیانه ۲۰۰۵)

۱۱- اوترویل، ژان فرانسوا، «مبانی نظری و عملی بیمه» ترجمه: دکتر همتی و دکتر دهقان، انتشارات بیمه مرکزی ایران، سال ۱۳۸۲، صص ۵۰-۳۵

۱۲- احمدوند، محمد رحیم، «بررسی و نقش صنعت بیمه در بازار سرمایه و تامین وجوه مورد نیاز بخش‌های تولیدی»، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، سال ۱۳۷۹، صص ۱۱۰-۱۰۹

۱۳- ترازنامه بانک مرکزی ایران، سال ۱۳۸۴، فصل شانزدهم، بررسی صنعت بیمه

۱۴- پیشین

۱- اوترویل، ژان فرانسوا، «مبانی نظری و عملی بیمه» ترجمه: دکتر همتی و دکتر دهقان، انتشارات بیمه مرکزی ایران، سال ۱۳۸۲، صص ۵۰-۳۵

۲- شکرزی، علی، «صنعت بیمه و نقش آن در اقتصاد» نشریه تازه‌های جهان بیمه، شماره ۷۸، سال ۱۳۸۳، صص ۱۲-۲

۳- احمدوند، محمد رحیم، «بررسی نقش صنعت بیمه در بازار سرمایه و تامین وجوه مورد نیاز بخش‌های تولیدی» انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، سال ۱۳۷۹، صص ۱۶-۸

۴- پیشین

۵- شیخانی، سعید، «سیستم بیمه سپرده: ابزاری در جهت توسعه بانکداری